

بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

ابوالقاسم رئیسی
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

این مقاله، پژوهشی است با عنوان «نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان» که سعی شده است ویژگی‌های خانوادگی نوجوانان بزهکار را با ویژگی‌های خانوادگی نوجوانان غیر بزهکار در شهر تهران به عنوان جامعه آماری، مورد مقایسه قرار دهد. تا از این طریق به میزان نقش خانواده و شرایط موجود در آن در ایجاد و یا کاهش انحرافات اجتماعی و بزهکاری در نوجوانان پی ببرد.

برای انجام این تحقیق تعداد ۸۰ نفر از نوجوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله موجود در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران و همچنین تعداد ۸۰ نفر از نوجوانان غیر بزهکار ۱۲ تا ۱۸ ساله در مدارس و دبیرستان‌های شهر تهران از طریق نمونه‌گیری تصادفی که جمعاً ۱۶۰ نفر را تشکیل می‌دهند به عنوان جامعه نمونه انتخاب شده و سپس با تکمیل پرسشنامه‌ای که به همین منظور تهیه شده توسط نوجوانان مذکور اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردیده است. پس از مشخص شدن نمرات و امتیازات مربوط به هر سؤال و مطابقت دادن آنها با فرضیات، محاسبات آماری روی نتایج به دست آمده صورت گرفت.

روش آماری در این پژوهش که به روش میدانی صورت گرفته است، استفاده از آزمون T گروه‌های مستقل بوده، که با کمک نرم افزار آماری s.p.s.s انجام شده و میانگین نمرات مربوط به پاسخهای ارائه شده در دو گروه با یکدیگر مقایسه و نتایج استخراج گردید.

کلیدواژه‌ها

خانواده (Family)، بزهکاری (Delinquency)، پیشگیری (Prevention)، نوجوانان (Juveniles)، انحرافات اجتماعی (Social deviations)، جرم (Crime)

مقدمه

انحرافات اجتماعی و بزهکاری نوجوانان و جوانان، از دیر زمان در جوامع بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است.

همزمان با وقوع انقلاب صنعتی و تغییر وضعیت زندگی مردم و همچنین گسترش دامنه نیازمندی‌ها از یک طرف و محرومیت‌های ناشی از برآورده نشدن نیازها و خواسته‌های بی شمار افراد از جمله نوجوانان، زمینه ایجاد انحرافات و کجروی‌ها مثل تبهکاری، سرگردانی، سرقت، اعتیاد، انحرافات جنسی و... در اطفال و نوجوانان فراهم گردید.

شاید ساده‌ترین تعریف برای رفتار نابهنجار این باشد که بگوییم: هر بیان یا عملی توسط اعضای جامعه که نوعی تجاوز به هنجارهای اجتماعی تلقی شود و یا به عبارت دیگر، وقتی افرادی از رعایت آداب و رسوم جامعه و اجرای مقررات سرپیچی نمایند. (تاج زمان، ۱۳۸۱، ص ۳).

عوامل اجتماعی که بر شکل‌گیری منش، شخصیت و رفتار انسان، تأثیر می‌گذارد، متعدد است که می‌توان از خانواده، مدرسه، محیط کار، وضعیت اقتصادی جامعه، اعتقادات مذهبی و... نام برد، که همگی می‌توانند در یک مسیر صحیح و سالم و یا انحرافی، تأثیر داشته باشند.

با توجه به اینکه کودک از ابتدای تولد در محیط خانه رشد و نمو می‌کند و اولین برخوردها و رفتارها را در خانه از والدین و اعضای خانواده خود دیده و تأثیر می‌پذیرد و در طول دوران کودکی و نوجوانی نیز، یکی از عوامل بسیار مؤثر بر ساخت شخصیت او شرایط موجود در خانواده است؛ لذا ویژگی‌های موجود در خانواده از قبیل، میزان روابط عاطفی، وجود آرامش و یا اختلاف و تشنج در خانواده، طلاق و جدایی والدین، وضعیت اقتصادی، میزان پایبندی خانواده به اعتقادات مذهبی و... می‌تواند نقش مهمی در ساخت شخصیت نوجوان و ایجاد زمینه برای نوع رفتار او در جامعه داشته باشد.

در این پژوهش به دلیل اهمیت موضوع فوق سعی شده است، شرایط موجود در خانواده به عنوان مهم‌ترین کانون تأثیرگذار بر رفتار نوجوان مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

به عبارت دیگر، شخصیت هر کس بازتابی از رفتارهای اطرافیان بوده و مانند تصویری است که از خارج بر آینه می‌تابد؛ از این رو، بررسی عوامل و انگیزه‌هایی که انسان را به سوی رفتارهای خاص هدایت می‌کند، ضروری است و در این میان، خانواده که بیشترین ارتباط را با فرزندان دارد می‌تواند بیشترین تأثیر را بر آنها داشته باشد.

بیان مسئله

یکی از مسائل پیچیده و نگران‌کننده در این زمان که توجه بسیاری از محققان، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و روان‌شناسان و متخصصان امر را به خود معطوف داشته، موضوع مجرمان کم سن و سال و یا اطفال و نوجوانان بزهکار است. آمارهای انتشار یافته نشان می‌دهد که علی‌رغم بهبود وضع زندگی و معیشتی و گسترش مؤسسات رفاهی و خدمات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان با سرعت و آهنگ رو به رشدی افزایش یافته است. در این مورد که چرا جرایم افراد کم سن و سال در حال ازدیاد است فرضیه‌های مختلفی ارائه شده است.

عده‌ای از دیاد جرایم را از اختصاصات جوامع متمدن دانسته و معتقدند بشر به همان سرعتی که به سوی ترقی و تکامل صنعتی و مادی پیش می‌رود، از معنویت دور شده و در نتیجه به تبهکاری و قانون شکنی روی می‌آورد (سخاوت، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

بعضی از دانشمندان جرم‌شناس پیدایش انواع جرایم ارتكابی نوجوانان را معلول عواملی نظیر توسعه ناگهانی صنایع، وسعت و گسترش غیر اصولی شهرها، برخورد ملل و اقوام گوناگون، در هم ریختن و از هم پاشیدگی خانواده‌ها، سست شدن پایه‌ها و مبانی مذهبی و اخلاقی و عوامل دیگری می‌دانند و در این میان توجه خاصی به خانواده که اولین هسته و نهاد مؤثر در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان در سنین مختلف است، دارند و عدم توجه کافی و مناسب والدین و اعضای خانواده را نسبت به کودکان و نوجوانان تا قبل از ۱۸ سالگی و یا وجود شرایط نامناسب در خانواده را زمینه‌ساز اصلی انحراف و بزهکاری در نوجوانان می‌دانند و معتقدند برای اصلاح این معضل اجتماعی باید به اصلاح شرایط خانواده‌ها و نوع برخورد آنها توجه بیشتری شود. از طرف دیگر، می‌توان گفت که قرن حاضر قرن اضطراب و سرعت است و

نوجوانان عجله دارند تا هر چه سریع‌تر خود را به مقصد خیالی مورد نظر برسانند، هر چند که در این راه، قواعد و مقررات و قوانین در هم شکسته شوند، بنابراین، لازم است توسط خانواده و مربیان هدایت شوند تا بتوانند راه صحیح موفقیت را پیدا کرده و به بیراهه کشیده نشوند (شامبیاتی، ۱۳۷۷، ص ۱۸).

آنچه مسلم است خانواده نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت، منش و رفتار کودکان و نوجوان دارد؛ چرا که محیط خانواده محیطی است که فرد در آنجا چشم به دنیا گشوده و رشد خود را آغاز می‌کند. در سنین اولیه زندگی با اینکه کودک هنوز قادر به انجام بسیاری از کارها نمی‌باشد، لکن حرکات اطرافیان خود را تقلید کرده و رفتار و کردار اعضای خانواده در ضمیر او حک و شخصیت او پی‌ریزی می‌شود.

امروزه این حقیقت به تجربه آشکار شده که کودک در تمام مراحل رشد و بلوغ نه تنها نیازمند توجه و مراقبت کامل جسمانی است بلکه در توانایی‌های احساسی، ادراکی و ذهنی نیاز مبرمی به راهنمایی و هدایت آگاهانه همراه با محبت دارد (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

براساس مطالعات و شواهد و قرائن موجود توسط محقق، حدس‌هایی در مورد ویژگی‌های خانوادگی مؤثر در بزهکاری نوجوانان به عنوان فرضیات پژوهش تعیین شده که پس از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها تأیید و یا عدم تأیید آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اهداف و ضرورت انجام تحقیق

امروزه در بین اکثر جوامع، بزهکاری نوجوانان به صورت یک معضل اجتماعی در آمده است و در کشور ما نیز با توجه به جوان بودن جامعه، این پدیده نابهنجار اجتماعی ظهور کرده و در حال رشد است و چنانچه متفکران، محققان و مسئولان جامعه در پی بررسی و شناخت عوامل ایجادکننده آن نباشند و در جهت رفع آنها اقدام مؤثری انجام ندهند، قطعاً این مشکل در بین نوجوانان شیوع بیشتری یافته و باعث سست شدن کیان خانواده‌ها و رشد سریع بزهکاری و جرم در جامعه می‌گردد و زمینه را برای تأثیر اقدامات سوء دشمن در انحرافات اخلاقی نوجوانان فراهم می‌نماید.

با توجه به اهمیت موضوع که به آن اشاره شد، هدف از این تحقیق شناخت عوامل و زمینه‌هایی است که نقش مستقیم در گرایش نوجوانان به بزهکاری دارد، تا از این طریق بتوان راهکارهای مناسب و مؤثری را برای پیشگیری از انحراف نوجوانان و ارتکاب آنان به اعمال مجرمانه پیدا کرد و با ارائه نتایج این تحقیق به مدیریت‌های مختلف جامعه که به نحوی در این خصوص نقش دارند، در استفاده صحیح از این نیروی کارآمد کمک کرد.

بدیهی است مهم‌ترین کانون مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت نوجوان، خانواده است که مستقیماً بر منش و رفتار آنها نقش دارد، لذا چنانچه بتوان ویژگی‌های یک خانواده مطلوب و مناسب را که نوجوان را در مسیر صحیح و مطابق با هنجارهای اجتماعی هدایت کند مشخص و ارائه نمود، کمک بسیار بزرگی به پیشگیری از ارتکاب آنان به اعمال بزهکارانه خواهد شد.

فرضیات تحقیق

- ۱- بین روابط عاطفی خانواده با فرزندان و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین وضعیت اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان اعتقادات و پایبندی اعضای خانواده به مسائل شرعی و بزهکاری نوجوانان در آن خانواده ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین وجود اختلاف و مشاجره در خانواده و بزهکاری نوجوانان ارتباط وجود دارد.
- ۵- بین میزان استفاده اعضای خانواده از محصولات فرهنگی (کتاب، مجله و روزنامه) با گرایش نوجوانان، به بزهکاری ارتباط وجود دارد.
- ۶- بین میزان حفظ شخصیت و احترام نوجوان در خانواده با گرایش آنها به بزهکاری ارتباط وجود دارد.
- ۷- بین میزان تحصیلات پدر و مادر با بزهکاری نوجوانان ارتباط وجود دارد.

نظریات و دیدگاه‌های دانشمندان در مورد انحرافات اجتماعی و بزهکاری
 آگوست کنت فیلسوف فرانسوی که یکی به عنوان از پایه گذاران جامعه‌شناسی از او یاد می‌شود. معتقد است که افراد تحت تاثیر عوامل اجتماعی و شرایط موجود در محیط اطراف خود مرتکب جرم می‌شوند، لذا بزهکاری را یک پدیده اجتماعی دانسته و تاثیر اجتماع را در ارتکاب جرایم تایید می‌کند (دانش، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰).

گابریل تارد دانشمند فرانسوی که ریاست اداره آمار کیفری وزارت دادگستری فرانسه را نیز برعهده داشت، در کتاب خود که تحت عنوان (بزهکاری تطبیقی) منتشر نموده است، می‌نویسد: «رفتار و اعمال هر فرد در اجتماع ناشی از تقلید است. افراد با تقلید از عادات و رفتار دیگران روابط اجتماعی خود را برقرار می‌نمایند. تقلید گاهی منطقی و تابع عقل است و احساسات در آن مؤثر نیست و گاهی نیز تقلید غیر منطقی و تحت تاثیر خواهش‌های درونی و احساسات قرار می‌گیرد. در هر حال جامعه بدون تقلید قابل تصور نیست و تمام امور ناشی از تبادل روانی افراد بین یکدیگر می‌باشد.»

تارد تاثیر محیط شامل خانواده و اطرافیان را در بزهکاری حائز اهمیت خاص دانسته و معتقد است، نوع رفتار، آداب و رسوم در تقلید نقش مؤثری را ایفا می‌نماید. او همچنین می‌نویسد: «اكثر قاتلان و سارقان افرادی هستند که از دوره طفولیت از خانواده طرد شده، بدون حامی و هادی، خودسر بار آمده‌اند و کوچه و خیابان برای آنها محل آموزش بزهکاری بوده است» (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳).

همچنین امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی در کتاب قواعد و روش جامعه‌شناسی و کتاب خودکشی، علل بروز جرایم را در محیط اجتماعی مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که جرم یک پدیده اجتماعی است و در هر اجتماعی بزهکاری وجود دارد.

دورکیم معتقد است جامعه، که قبل از فرد وجود دارد اثر خود را در فرد انباشته و او را تربیت کرده و بر او مسلط می‌گردد. پس روحیه و طرز رفتار هر فرد مستقیماً مربوط به تشکلات، دستورها و الگوهای اجتماعی بوده و در روابط خصوصی نیز بر عوامل مذکور تاثیر کلی دارند (تنهایی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸).

دورکیم نیز چون کنت و اسپنسر، جامعه را به مثابه موجود زنده‌ای می‌داند که افراد

و اجزاء آن همگی در خدمت به کلیتی که بقای سیستم را تداوم می‌بخشد، می‌باشند. این کلیت که دورکیم از آن تحت عنوان وجدان جمعی یاد می‌کند تنها حاصل تجمع صوری افراد جامعه نیست بلکه چیزی جدای آنهاست که هرگاه لازم باشد از خارج خود را بر تک‌تک افراد تحمیل می‌کند.

لزوم این تحمیل و نظارت اجتماعی به تصویری برمی‌گردد که دورکیم از انسان متصور می‌شود. او انسان را موجودی می‌داند با علایق و آرزوهای نامحدود و سیری‌ناپذیر؛ لذا این خصلت طبیعی و ذاتی بشر، یعنی حرص و میل به بیشتر داشتن را تنها از طریق یک نظارت خارجی می‌توان مهار کرد. دورکیم این نظارت بر اعمال افراد و تحدید آرزوهای او را مشابه عملی می‌داند که یک ارگانیسم در بر آورده ساختن نیازهای جسمی خود ایفا می‌کند. همان طور که در دنیای حیوانی، ملاک پیشرفت، تخصصی‌تر شدن وظایف یک سازواره با اندام و راه و یا به عبارتی تفکیک کارکردی است، در نظام اجتماعی نیز هر قدر وظایف بیشتر تفکیک شده باشد، آن جامعه در مراحل بالاتری از رشد و تکامل قرار دارد.

همچنین دورکیم در نظریه آنومی خود به عواملی اشاره می‌کند که باعث پیدایش ناآرامی و نارضایتی در جامعه می‌گردد.

دورکیم تشریح کرده است که در زمان‌های رکود اقتصادی ناگهانی و یا رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی روی می‌دهد. در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها و از بین رفتن کنترل آرزوها، آنومی یا یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر به وجود می‌آید و از آنجا که این آرزوهای بی‌حد طبعاً نمی‌توانند ارضاء و اشباع شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی دائمی پدید می‌آید.

دورکیم، ثروتمندی ناگهانی در مقابل فقر را یک عامل بحران‌زا، و دلیل آن را در تغییرات شتابزده اجتماعی - اقتصادی می‌بیند که موجب از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی، یعنی وضعیت سریع آنومی می‌گردد (دورکیم، ۱۳۷۴، ص ۲۴۳).

آرزوهای بی‌حد ← عدم توانایی ارضای نیازهای بی‌حد ← نارضایتی اجتماعی

بدین ترتیب بر اساس نظریه دورکیم تا موقعی که اهداف جدید و بلند پروازانه‌ای وارد جامعه نشده و ارزش‌ها و نیازهای جدید به مردم تزریق نشده است و مردم با آن مقدار که دارند به اهداف و ارزش‌های سنتی خود می‌رسند، جامعه در حال تعادل خواهد بود، اما:

– وقتی ارزش‌ها و نیازهای جدید وارد جامعه شود و

– مردم آن ارزش‌ها و نیازها را بپذیرند و

– مایل به دستیابی به آنها باشند،

– اما ابزار دستیابی به آن را نداشته باشند و

– راه رسیدن به آن اهداف عملاً برایشان مسدود باشد،

در نتیجه احساس نارضایتی می‌کنند و به هر اقدام مغایر با سیستم موجود دست خواهند زد (رفعی‌پور، ۱۳۷۷، ص ۳۵).

در همین خصوص ادوین ساترلند معتقد است جرم زمانی رخ می‌دهد که موقعیت و زمینه مناسب آن برای عامل رفتار فراهم شده باشد.

بر اساس این نظریه، فرآیندی که به بزهکاری می‌انجامد به قرار زیر است:

۱- عمل مجرمانه آموختنی است، نه موروثی. یعنی تا فرد آن را نیاموزد، به فکر انجام دادن آن نمی‌افتد، همان‌طور که تا کسی از کارکرد دستگاه‌های مکانیکی مطلع نباشد، نمی‌تواند در این زمینه اختراعی داشته باشد.

۲- آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد انجام می‌گیرد و عموماً به صورت شفاهی و به کمک کلمات است و فقط در برخی موارد ممکن است از طریق حرکات چهره و قیافه انجام گیرد.

۳- بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند مثل خانواده و دوستان انجام می‌گیرد. بنابراین، نقش مراکز ارتباطی دیگر نظیر سینما، روزنامه و مجلات در ایجاد فرایند جرم جزئی است.

۴- آموزش عمل مجرمانه مراحل مختلفی دارد:

الف) فنون ارتکاب جرم که گاه پیچیده و گاه ساده است؛

ب) جهت دادن به انگیزه‌ها، گرایش‌ها و کشش‌های درونی؛

ج) توجیه عمل مجرمانه.

۵- زمانی فرد به عمل بزهکارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قواعد اجتماعی‌اند، بیشتر از کسانی است که با شکستن این قواعد مخالفند. این بند در واقع اساس نظریه ساترلند است و به ارتباط فرد با بزهکاران و غیر بزهکاران هر دو اشاره می‌کند (سخاوت، ۱۳۸۰، ص ۵۵).

ساترلند معتقد است، رفتار انحرافی، مثل سایر رفتارهای اجتماعی از راه‌های همنشینی و پیوند با دیگران آموخته می‌شود؛ بنابراین هرکس در طول حیات خود از طریق پیوند و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها را فرا می‌گیرد؛ اما جهت خاصی که این یادگیری و جامعه‌پذیری به سوی اطاعت از قوانین و یا در جهت سرپیچی از آن دارد، به این است که از چه کسی یاد می‌گیرد. به این معنا که همنشین مرد تا حد زیادی تعیین کننده رفتار او خواهد بود و یا به بیان بهتر، مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون شکنان دارند، کجرو و منحرف می‌شوند و عوامل شدت، تواتر، تعداد، دوره و نسبت تماس‌ها و سن افراد تماس گیرنده، در این کار مؤثر است. و در این میان خانواده و دوستان که بیشترین ارتباط را با کودکان و نوجوانان دارند از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند (صدیق، ۱۳۷۴، ص ۶۸).

روش انجام پژوهش

با توجه به اینکه موضوع پژوهش بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های موجود در خانواده نوجوانان بزهکار و خانواده نوجوانان غیر بزهکار می‌باشد، لذا نوع تحقیق توصیفی و علی - مقایسه‌ای است و برای اطلاعات لازم از روش تنظیم پرسشنامه استفاده شده است.

روش نمونه گیری

در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه‌ای استفاده شده است. به این صورت که ابتدا تهران به ۴ بخش شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم بندی شده و از بین هر بخش به صورت تصادفی یکی از مناطق موجود آموزش و پرورش انتخاب گردید. بدین ترتیب که: از بخش شمالی منطقه ۱، از بخش جنوبی منطقه ۱۵، از بخش شرقی منطقه ۴ و از

بخش غربی منطقه ۹، انتخاب شدند.

سپس به صورت تصادفی از هر منطقه یکی از مدارس پسرانه و یکی از مدارس دخترانه در مقطع راهنمایی و یا دبیرستان انتخاب شده و از هر یک از مدارس انتخابی ۱۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردیده‌اند که جمعا تعداد ۸۰ نفر را تشکیل می‌دهند و به عنوان گروه شاهد تعیین گردیده‌اند. همچنین تعداد ۴۰ نفر از نوجوانان پسر و ۴۰ نفر از نوجوانان دختر بزهکار در مقطع سنی ۱۲ تا ۱۸ سال موجود در مرکز کانون اصلاح و تربیت انتخاب که به عنوان گروه آزمایش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

محاسبه آماری مقایسه گروه‌های مستقل با استفاده از آزمون T

فرضیه اول

بین روابط عاطفی خانواده با فرزندان و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۳۳/۱۵	۵/۹۵	۶۶ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۲۷/۴۷	۶/۸۶	۷۶ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۵/۶۷	۹/۲۸	۹۵ درصد	۵/۴۶

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار تی ۵/۴۶ می‌باشد؛ بنابراین، فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌گردد؛ یعنی تفاوت معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه اول تایید می‌گردد.

فرضیه دوم

بین وضعیت اقتصادی خانوادگی و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۱۴/۷۶	۳/۱۰	۳۴ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۱۲/۷۰	۳/۳۰	۳۶ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۲/۰۶	۴/۵۹	۹۵ درصد	۴/۰۱

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود. نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار تی ۴/۰۱ می‌باشد؛ بنابراین، فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. یعنی تفاوت معنا داری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه دوم تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم

بین میزان اعتقادات و پایبندی اعضای خانواده به مسائل شرعی و بزهکاری نوجوانان در آن خانواده ارتباط وجود دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۱۶/۴۶	۳/۷۸	۴۲ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۱۳/۶۲	۲/۹۳	۳۲ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۲/۸۴	۴/۵۰	۹۵ درصد	۵/۶۱

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار t ی ۵/۶۱ می‌باشد؛ بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد؛ یعنی تفاوت معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه سوم تأیید می‌گردد.

فرضیه چهارم

بین وجود اختلاف و مشاگره در خانواده و بزهکاری نوجوانان ارتباط وجود دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۶	۱/۸۴	۲۰ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۴/۳۷	۱/۴۱	۱۵ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۱/۶۲	۲/۲۸	۹۵ درصد	۶/۳۷

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار t ی ۶/۳۷ می‌باشد؛ بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد؛ یعنی تفاوت معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده

می‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه چهارم تأیید می‌گردد.

فرضیه پنجم

بین میزان استفاده اعضای خانواده از محصولات فرهنگی (کتاب، مجله و روزنامه) با گرایش نوجوانان، به بزهکاری ارتباط وجود دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۷/۳۳	۲/۰۶	۲۳ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۶/۱۱	۲/۱۶	۲۴ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۱/۲۲	۳/۲۹	۹۵ درصد	۳/۳۲

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار تی ۳/۳۲ می‌باشد؛ بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد؛ یعنی تفاوت معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه پنجم تأیید می‌گردد.

فرضیه ششم

بین میزان حفظ شخصیت در خانواده با گرایش آنها به بزهکاری ارتباط دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۵/۹۷	۱/۳۵	۱۴ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۵/۵۹	۲/۳۹	۲۵ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۲/۸۳	۲/۵۹	۹۵ درصد	۱/۳۰

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار تی ۱/۳۰ می‌باشد؛ بنابراین، فرض H_0 تأیید و فرض H_1 رد می‌گردد؛ یعنی تفاوت معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه ششم تأیید نمی‌گردد.

فرضیه هفتم

بین میزان تحصیلات پدر و مادر با بزهکاری نوجوانان ارتباط وجود دارد.

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
گروه شاهد	۸۰	۲۲/۶۰	۶/۳۱	۷۲ درصد
گروه آزمایش	۸۰	۱۱/۴۱	۸/۸۰	۱ درصد

	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب اطمینان	مقدار t به دست آمده
مقایسه گروه شاهد و آزمایش	۱۰/۸۹	۱۱/۶۷	۹۵ درصد	۸/۱۳

تحلیل آزمون

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ نتیجه به دست آمده از آزمون با ضریب اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد مقدار تی ۸/۱۳ می‌باشد؛ بنابراین، فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد؛ یعنی تفاوت معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده

می‌شود؛ به عبارت دیگر، ادعای پژوهش در فرضیه هفتم تأیید می‌گردد.

نتیجه گیری

از نتایج این پژوهش می‌توان اطلاعات مفید و قابل توجهی در خصوص عوامل مؤثر در زمینه ایجاد انحرافات اجتماعی به دست آورد؛ به عبارت دیگر، همان طوری که ملاحظه گردید محور اصلی یا شروع زمینه انحرافات اجتماعی از محیط خانواده نشو و نما می‌نماید. در واقع می‌توان گفت خانواده نخستین محیط اجتناب ناپذیر یا حتمی است که اراده فرد در انتخاب آن تأثیر نداشته است، هیچ فردی خانواده خود را بر نمی‌گزیند و خانواده، محیطی است که فرد به ناچار در آنجا چشم به دنیا گشوده و در آنجا رشد خود را آغاز کرده است.

خانواده نخستین پیوند میان کودک و اطراف او به حساب می‌آید. تا کنون هیچ گونه جانشین رضایت بخش و مطلوبی برای خانواده پیدا نشده است که بتواند امنیت لازم و شرایط مناسب مورد نیاز کودک را تأمین کند. به طوری که اگر در این دوران از داشتن خانواده محروم شود، در طول زندگی خود در جستجوی آن خواهد بود.

اگر بپذیریم که رفتار اکتسابی است و یادگیری حداقل در آغاز متأثر از تقویت و پاداش محیط اطراف می‌باشد، بی شک در تعیین رفتار کودک و کنش‌های عاطفی، ادراک نگرش‌ها و ارزش‌های موجود در خانه و خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است و اگر خانواده رفتار مناسبی نداشته باشد موجبات بزهکاری را در فرزندان پدید می‌آورد (رحیمی یگانه، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲).

اگرچه عوامل مختلفی در ایجاد و بزهکاری نوجوانان وجود دارد و در تحقیقات و پژوهش‌های متعدد به این مسئله پرداخته شده است، اما در این تحقیق تعدادی از عوامل موجود در خانواده که می‌تواند بر بزهکاری نوجوانان تأثیر مستقیم داشته باشد مورد بررسی قرار گرفته که در پایان پس از انجام محاسبات آماری روی اطلاعات به دست آمده نتایج زیر به دست آمده است:

فرضیه اول که مربوط به ارتباط بین نوع روابط عاطفی خانواده و بزهکاری نوجوانان است تأیید گردید. به این معنا که اکثر نوجوانان بزهکار در خانواده‌هایی

هستند که از روابط عاطفی ضعیفی برخوردار بوده و ارتباط مناسبی بین والدین و فرزندان وجود ندارد. آنچه مسلم است دوستی و محبت در خانواده برای رشد عواطف در هر دوره بالاخص دوره نوجوانی اهمیت زیادی دارد و چنانچه نوجوان از آن محروم باشد، تعادل روانی اش مختل می‌گردد و عواقب نامطلوبی از جمله انحرافات اخلاقی را به دنبال دارد.

همچنین این نکته قابل ذکر است که تنبیه، روحیه حساس کودک و نوجوان را خدشه دار و شخصیت او را تضعیف می‌کند و در نتیجه او بدون فکر و برنامه برای اینکه از انضباط خشک و خشن رها شود از منزل فرار می‌کند، لذا هر چه جو عاطفی حاکم بر خانواده بهتر و اطمینان بخش تر باشد و نوجوان احساس امنیت بیشتری کند، از شخصیت سالم‌تری برخوردار خواهد شد (شکیبایی، ۱۳۵۷، ص ۹۴).

کی‌نیانیز در کتاب خود تاثیر روابط عاطفی خانواده را بر بزهکاری نوجوانان تأیید کرده‌است. او همچنین در خصوص نقش آرامش در خانواده می‌نویسد: «کانون خانواده‌ای که بر اثر تعارض و ناسازگاری والدین آشفته است آثاری در وجدان و روحیه فرزندان می‌گذارد که چندین سال بعد به صورت عصیان جوانی و سرکشی از مقررات و انحرافات اجتماعی بروز می‌کند» (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۲۸۳).

فرضیه دوم که مربوط به ارتباط بین وضعیت اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان است، تأیید گردید؛ به این معنا که در خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند، زمینه ایجاد گرایش فرزندان آنها به بزهکاری بیشتر است. اگرچه در مواردی مرفه بودن خانواده‌ها نیز می‌تواند زمینه ایجاد انحرافات را ایجاد نماید لکن این موضوع در این تحقیق مورد توجه قرار نگرفته است.

در تحقیقی که توسط خانم فخرالسادات رضوی به راهنمایی دکتر حسن پاشاشریفی نیز تحت عنوان «رابطه بزهکاری نوجوانان با ویژگی‌های خانوادگی» به عمل آمده است، یکی از عوامل مؤثر بر بزهکاری، بد بودن وضعیت اقتصادی خانواده اعلام شده است (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۹۴).

فرضیه سوم که مربوط به ارتباط بین میزان اعتقادات و پایبندی خانواده به اصول مذهبی و دینی با بزهکاری نوجوانان است، تأیید گردید؛ به این معنا که هر چه میزان

اعتقادات و پایبندی در خانواده به مسائل شرعی کمتر و ضعیف‌تر باشد، نوجوانان بیشتر در معرض ارتکاب به بزهکاری قرار می‌گیرند. بدیهی است وجود زمینه‌های مذهبی و دینی در یک خانواده باعث ارضای روحی و روانی اعضای خانواده و ایجاد آرامش در مقابل بسیاری از کاستی‌ها و مشکلات موجود در خانواده می‌گردد و در نتیجه نوجوان را در مقابل بسیاری از لغزش‌ها، بلند پروازی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی حفظ می‌کند.

سزاوت نیز در کتاب خود در مورد موضوع اعتقادات دینی و پایبندی به مسائل اخلاقی و تأثیر آن در جلوگیری از گرایش نوجوانان به بزهکاری تا کید کرده است (سزاوت، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲).

فرضیه چهارم که مربوط به ارتباط بین میزان اختلاف و مشاجره در خانواده و بزهکاری نوجوانان می‌باشد، تأیید گردید؛ به این معنا که اکثر نوجوانان بزهکار مورد مطالعه از خانواده‌هایی بودند که در آنها مشاجرات خانوادگی و نزاع و اختلاف وجود داشته است.

معمولاً در خانواده‌هایی که بین آنها مشاجره و اختلاف وجود دارد، والدین در برابر نوجوان به تحقیر و ناسزا گویی به یکدیگر می‌پردازند و گاهی حتی نوجوان را در منازعه و مشاجرات خود شرکت می‌دهند که در این صورت علاوه بر آن که نمی‌توانند با نوجوان رابطه مطلوبی برقرار کنند، رشد عاطفی و اجتماعی او را دچار اختلال کرده و زمینه گرایش به بزهکاری را در او تقویت می‌نمایند.

دانش نیز در مورد مشاجره و اختلاف در خانواده و نقش آن در ایجاد بزهکاری نوجوانان در کتاب خود تأکید کرده است (دانش، ۱۳۶۹، ص ۱۶۳).

فرضیه پنجم که مربوط به میزان استفاده اعضای خانواده از محصولات فرهنگی (کتاب، مجله و روزنامه) می‌باشد، تأیید گردید؛ به این معنا که خانواده نوجوانان بزهکار مورد مطالعه نسبت به خانواده نوجوانان غیر بزهکار بسیار کمتر از محصولات فرهنگی استفاده می‌کنند.

در همین خصوص در تحقیقی که توسط غلام شکیبایی تحت عنوان «نقش خانواده نابسامان، در بزهکاری نوجوانان» در سال ۱۳۷۲ صورت گرفته، تأثیر عدم ارتباط

خانواده با محصولات فرهنگی و بیگانه بودن اعضای خانواده با مطالعه و گرایش نوجوانان به بزهکاری ثابت شده است.

فرضیه ششم که مربوط به میزان احترام به نوجوان توسط خانواده و ارتباط آن با بزهکاری نوجوانان است، تأیید نگردید؛ به این صورت که اختلاف معناداری بین دو جامعه مورد مطالعه دیده نشد.

خانم زهرا رحیمی یگانه از دانشگاه علامه طباطبایی نیز در سال ۱۳۷۸ در تحقیقی که تحت عنوان «بررسی جو عاطفی خانواده و فرار نوجوانان از خانه» به راهنمایی دکتر صرامی انجام داده است، این موضوع را مورد بررسی قرار داده که نتیجه به دست آمده نشان داده، میزان احترام به شخصیت نوجوانان و آزادی آنها در بزهکاری نوجوانان تأثیر قابل توجهی نداشته است.

فرضیه هفتم که مربوط به ارتباط بین میزان تحصیلات پدر و مادر و بزهکاری نوجوانان است، تأیید گردید؛ به این معنا که مشخص گردید، در خانواده‌هایی که والدین آنها از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار می‌باشند، زمینه گرایش نوجوانان به بزهکاری کمتر است.

در خصوص موضوع فوق به این نکته باید توجه داشت که نوجوان همپنان که از مرحله کودکی خود دور می‌شود یا به عرصه تازه ای می‌گذارد که برایش ناشناخته است، او می‌خواهد بزرگسالی را به طور ابتدایی تجربه کند ولی راه و رسم آن را به درستی نمی‌داند و هنوز راه زیادی را باید طی کند. در این مرحله است که آگاهی والدین می‌تواند برای او راهگشا باشد و این امر محقق نمی‌شود، مگر اینکه والدین از سطح تحصیلات مناسبی برخوردار باشند (مرکز آموزش سازمان زندان‌ها، ۱۳۷۲، ص ۷۲).

در تحقیق دیگری که توسط محمد سعیدی در رشته روانشناسی در سال ۱۳۷۲ به راهنمایی دکتر عبدالله شفیع آبادی تحت عنوان «بررسی علل فرار نوجوانان از منزل» انجام گرفته است نیز تأثیر پایین بودن میزان تحصیلات پدر و مادر، مناسب نبودن وضعیت اقتصادی خانواده و وجود خشونت و تنبیه فرزندان در خانواده بر بزهکاری نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته و به اثبات رسیده است.

پیشنهادهای

براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، موارد ذیل به عنوان پیشنهاد می‌تواند مطرح گردد:

۱- با توجه به اینکه نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که عدم برخورداری خانواده‌ها از روابط عاطفی مناسب می‌تواند نوجوانان را از نظر روحی - روانی در شرایطی قرار دهد که زمینه ایجاد انحراف فراهم گردد. لذا باید به طرق مختلف، خانواده‌ها را تشویق کرد تا نسبت به تقویت جو عاطفی در محیط خانه اقدام نمایند که این کار را می‌توان از طریق اختصاص وقت کافی جهت گفتگو، مشاوره، انجام کارهای گروهی، مسافرت‌های خانوادگی، ارزش قائل شدن به نظرات فرزندان، سهیم کردن آنها در امور مربوط به خانواده و نظایر اینها انجام داد.

۲- نتیجه دیگری که از این تحقیق به دست می‌آید این است که بیشترین تعداد نوجوانان بزهکار از خانواده‌هایی هستند که از وضعیت اقتصادی نامناسبی برخوردارند. اگرچه این مسئله عمومیت ندارد، لکن بررسی‌های به عمل آمده، نشان می‌دهد نامناسب بودن وضعیت اقتصادی تأثیر مستقیمی بر انحرافات اجتماعی دارد که البته این مشکل در سطح کلی جامعه با اقدامات همه جانبه توسط مسئولان کشور و مردم قابل حل است؛ با این حال می‌توان از طریق تشویق خانواده‌ها به مبارزه با فرهنگ مصرف‌گرایی تا حدی مشکل را کم کرد.

۳- همچنین نتایج به دست آمده نشان می‌دهد هر چه میزان تقید خانواده‌ها به مسائل شرعی و مذهبی کمتر باشد، زمینه ایجاد انحراف و بزهکاری در نوجوانان بیشتر می‌شود، لذا باید با تقویت اعتقادات دینی مردم خصوصاً نوجوانان را از طریق برنامه‌های متنوع و جذاب، توسط سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی - اجتماعی و رسانه‌های گروهی و همچنین میزان پایبندی خانواده‌ها را به اصول اعتقادی ارتقا بخشید.

۴- نتیجه دیگری که از این تحقیق حاصل می‌شود این است که تعداد زیادی از نوجوانانی که مرتکب انحرافات اجتماعی شده‌اند، از خانواده‌های هستند که مشاجرات خانوادگی و نزاع و اختلاف در آن وجود داشته است. قابل ذکر است که اگرچه اختلافات

خانوادگی معمولاً علل و عوامل متعددی دارد و باید ریشه‌های اصلی این مشکل مورد بررسی و توجه قرار گیرد، لکن به‌طور کلی می‌توان از طریق آموزش خانواده‌ها و نشان دادن آثار و عواقب نامطلوب اختلافات خانوادگی به سرنوشت فرزندان - که نقطه اوج آن جدایی والدین از یکدیگر است - از طریق مطبوعات و رسانه‌های جمعی و همچنین فیلم‌های مناسب به خانواده‌ها گوشزد است.

در خصوص میزان استفاده خانواده‌ها از محصولات فرهنگی نیز نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که هر چه خانواده‌ها با محصولات فرهنگی از جمله کتاب، مجله، روزنامه و یا برنامه‌های علمی؛ فرهنگی بیشتر مانوس باشند، فرزندان آنها کمتر به سمت انحرافات اجتماعی روی می‌آورند، لذا موضوع ترغیب جامعه به سمت فرهنگ کتابخوانی و ارتباط با محصولات فرهنگی مفید و سازنده در کشور از اهمیت خاصی برخوردار است که توجه مسئولان امر به این موضوع مهم را می‌طلبد.

عمر با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق که نشان می‌دهد هر چه خانواده‌ها خصوصاً والدین از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار باشند، فرزندان آنها کمتر به سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند، لذا موضوع مبارزه با بی‌سوادی و ارتقای سطح تحصیلات عمومی مردم می‌تواند کمک بسیار زیادی به پیشگیری از ایجاد زمینه‌های بزهکاری کند.

یکی از نکات قابل توجه در این موضوع ارتباط بزهکاری نوجوانان در جامعه با وظایف نیروی انتظامی کشور به عنوان یک مرجع مقابله‌کننده با وقوع جرم و بزه در سطح جامعه می‌باشد. بدیهی است یکی از وظائف اصلی نیروی انتظامی برقراری نظم و امنیت در جامعه است و برای نیل به این هدف لازم است به عنوان آخرین اقدام در راه مبارزه با جرائم توسط نیروی انتظامی با افراد متخلف بزهکار و مجرم مقابله و برخورد شود، لذا به هر میزان نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و... در جامعه به وظائف خطیر خود آشنایی بیشتری داشته و محیط مناسب‌تری را برای نوجوانان فراهم نمایند، قطعاً از میزان بزهکاری در جامعه کاسته و جامعه از امنیت و آرامش بیشتری برخوردار خواهد شد.

همچنین بخش‌های فرهنگی و روابط عمومی نیروی انتظامی می‌توانند از طریق

برقراری ارتباط با مردم خصوصا نوجوان به وسیله تهیه جزوات آموزشی، میان پرده‌ها و تیزرهای تلویزیونی سطح آگاهی مردم را نسبت به تخلفات و جرائم و راه‌های مقابله با آنها و عواقب ناشی از ارتکاب به جرم را بالا ببرد تا جامعه از سطح امنیت و نظم و آرامش بیشتری برخوردار شود.

منابع

- امیل دورکیم (۱۳۷۴) قواعد و روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران
- حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱) اصول بهداشت روانی، انتشارات دانشگاه پزشکی مشهد
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۹) مجرم کیست، جرم شناسی چیست، انتشارات کی‌هان، تهران
- دانش، تاج زمان (۱۳۸۱) اطفال و جوانان بزهکار، انتشارات رسا، تهران
- دلاور، علی (۱۳۸۰) احتمالات و آمارهای کاربردی در روانشناسی و علم تربیتی، نشر رشد، تهران
- رحیمی یگانه، زهرا (۱۳۷۸) بررسی جو عاطفی خانواده و فرار نوجوانان از خانه، دانشگاه علامه طباطبائی (پایان نامه کارشناسی ارشد)
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- سادات، محمد علی (۱۳۷۱) راهنمای پدر و مادران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۷۳) آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، تهران
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۰) جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۷) بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ژوبین، چاپ هفتم
- شرقی، محمدرضا (۱۳۷۴) مراحل رشد و تحویل انسان، از انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
- شکیبایی، غلام (۱۳۵۷) نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان و جوانان، پایان‌نامه کاشناسی ارشد
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹) جامعه شناسی انحرافات، انتشارات مردنیزد، مشهد

- کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۹) جامعه‌شناسی جنائی، دانشگاه تهران
- مرکز آموزش سازمان زندان‌ها (۱۳۷۲) بررسی علل بزهکاری نوجوانان پسر
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی عمومی، انتشارات طهوری
- معین، محمد (۱۳۷۴) فرهنگ فارسی جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی